

اشاره:

حفظ تراز بازرگانی مثبت در کنار تأمین نیازمندی‌های بازار داخلی، از اهمیت بسزایی در رشد پایدار اقتصادی برخوردار است. داشتن مازاد تراز بازرگانی خارجی مستلزم رشد مستمر صادرات و تلاش برای کاهش واردات می‌باشد. از آنجاکه اقتصاد ایران برای رشد و توسعه پایدار نیازمند توسعه صادرات غیرنفتی و رهایی از وابستگی به درآمد ارزی حاصل از صدور نفت خام می‌باشد، لذا تمامی نهادهای کشور می‌بایست در جهت رفع موانع صادرات غیرنفتی و کمک به سرمایه‌گذاری در تولید کالاهای صادراتی‌گام بردارند.

یکی از نهادهای مهم کشور که سهم بسزایی در تأمین مالی نیازهای سرمایه‌ای برای رونق صادرات غیرنفتی دارد، نظام بانکی است. بانک‌ها می‌توانند نقش فعالی در این زمینه داشته باشند، در حالی که در شرایط کنونی قادر نیستند این نقش را به خوبی ایفا کنند.

در این مقاله تلاش می‌شود مشکلات متقاضیان سرمایه‌گذاری و نظام بانکی در رسیدن به هدف توسعه صادرات غیرنفتی، تشریح گردد.

ضرورت تحول نظام بانکی در جهت رونق صادرات غیرنفتی

○ بخشی از مشکلات صادرکنندگان در ارتباط با نظام بانکی است که از کارایی موردانتظار برای در اختیار نهادن به موقع اعتبارات صادراتی برخوردار نیست.

- ۱۱- احیاء بوروکراسی در امر صادرات، پیمان واریزنامه ارزی، استفاده از سهمیه ارزی و...
- ۱۲- دشواری اخذ اعتبار از نظام بانکی
- ۱۳- مشکلات مربوط به ورود موقت کالا
- ۱۴- اعتماد نداشتن صادرکنندگان به سیاست‌های صادراتی و قانون و آیین‌نامه‌های مربوطه
- ۱۵- مشکلات حمل و نقل زمینی، دریایی و هوایی و ناکافی بودن وسایل حمل و افزایش سرسام آور هزینه کرایه حمل.
- ۱۶- کمبود امکانات بسته‌بندی، درجه‌بندی و لوازم چاپ و تزیینات ضروری.

موارد ذکر شده، تقریباً مشکلاتی است که عموم صادرکنندگان در ارتباط با امر صادرات دارند. بخش قابل توجهی از این مشکلات، مربوط به وضعیت نظام اداری و بوروکراسی در کشور می‌باشد. بخشی مربوط به فقدان انگیزه برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مثلاً برای توسعه امکانات حمل و نقل و یا بسته‌بندی است و بخشی نیز ناشی از مشکلات صادرکنندگان در ارتباط با نظام بانکی است که موضوع این گزارش است و به تشریح آن می‌پردازیم.

مشکلات صادرکنندگان

با وجود آزادسازی‌هایی که در جریان اجرای نخستین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در راستای توسعه صادرات غیرنفتی به عمل آمد و بر اساس آمار موجود ارزش صادرات غیرنفتی از حدود یک میلیارد دلار در سال ۱۳۶۸ به ۴/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ افزایش یافت، کماکان صادرات غیرنفتی و صادرکنندگان با مشکلات و موانع زیادی روبه‌رو می‌باشند که اهم این مشکلات چنین است.

- ۱- ثبات نداشتن راهبردهای مناسب و فقدان برنامه‌ریزی صحیح و مدون
- ۲- اتخاذ تصمیمات نه‌چندان پایدار و ناپایداری قوانین و مقررات
- ۳- تورم داخلی
- ۴- امکانات ناکافی برای تدارکات صادراتی و حمل به موقع اقلام صادراتی
- ۵- کاهش کارایی مقررات، سیاست‌ها و دستگاه‌های اداری
- ۶- فقدان گرایش به سرمایه‌گذاری‌های لازم و کافی در امر صادرات
- ۷- فقدان تحمل زیان احتمالی ناشی از سرمایه‌گذاری در صادرات غیرنفتی
- ۸- افزایش پیمان‌نامه‌ها
- ۹- کافی نبودن مهلت پیمان‌نامه‌ها برای برخی کالاهای صادراتی
- ۱۰- نوسان در روابط خارجی



کمتری برای صنعت داشته است، تولید کنند. در حالی که می توان با اتخاذ یک سیاست باز در تجارت خارجی کالاهای باارزش بیشتر را صادر و کالاهای ارزان قیمت مورد نیاز بازار داخلی را وارد نمود و در تجارت کالا، مزاد تراز بازرگانی داشت.

○ مدیریت تولید و مدیریت فروش (به ویژه صادرات) دو مقوله جدا از هم هستند و به تخصص های گوناگونی نیاز دارند. در میان کارآفرینان اقتصادی، تشکیل قشر بازرگان فعال (در امر صادرات و واردات) و رشد شرکت های بازرگانی ضرورت دارد، اما به زمان، تجربه و حمایت واقعی نیازمند است و بخش عمده این حمایت نیز مربوط به نظام بانکی از طریق تسهیل در امر پرداخت اعتبارات می باشد.

گسترش فرهنگ صادراتی در جامعه، یکی از نیازهای اساسی امروز اقتصاد ایران است و جامعه باید به این ادراک و استنباط درست برسد که برای حفظ رشد اقتصادی پایدار و رهایی از وابستگی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت، بخشی از تولیدات باارزش خود را به صادرات اختصاص دهد.

از سوی دیگر نظام بانکی با مقررات دست و پاگیر فراوان، زمان اعطای یک اعتبار را به سه تا شش ماه رسانده است. در بخش صادرات چنین زمانی به معنای از دست دادن بازار و یا حضور ناقص و ناپایدار در بازارهای خارجی است و مشتریان خارجی را از اعتماد به صادرکنندگان ایرانی بازمی دارد.

اغلب صادرکنندگان با اتکاء به منابع مالی خود، نمی توانند درحدی که توان جذب مشتری خارجی را دارند، فعالیت کنند. نتیجه چنین روندی، کندی در امر صادرات است و زیان ناشی از آن فقط صادرکنندگان را دربرنمی گیرد، بلکه به اقتصاد کشور لطمه می زند.

○ نظام بانکی باید از آزادی عمل بیشتر در تخصیص اعتبارات برخوردار شود و از این آزادی در جهت اهداف کلان اقتصادی (رونق صادرات غیرنفتی) استفاده کند.

ضرورت اتخاذ سیاست های جدید اعتباری در بخش صادرات و کاهش موانع اداری دریافت اعتبار از بانک ها، مهم ترین موضوعی است که برای رونق بخشیدن به صادرات غیرنفتی و تنوع دادن به

○ گفته می شود که سیاست کلی، رونق صادرات غیرنفتی است و بانک ها می توانند در این جهت فعالیت کنند. اما در عمل، نظام بانکی با الزام به رعایت سقف های اعتباری بخش های مختلف و ارایه تسهیلات تکلیفی مواد و تبصره های بودجه سالانه کشور، نمی تواند نقش زیادی در رونق صادرات غیرنفتی ایفا کند.

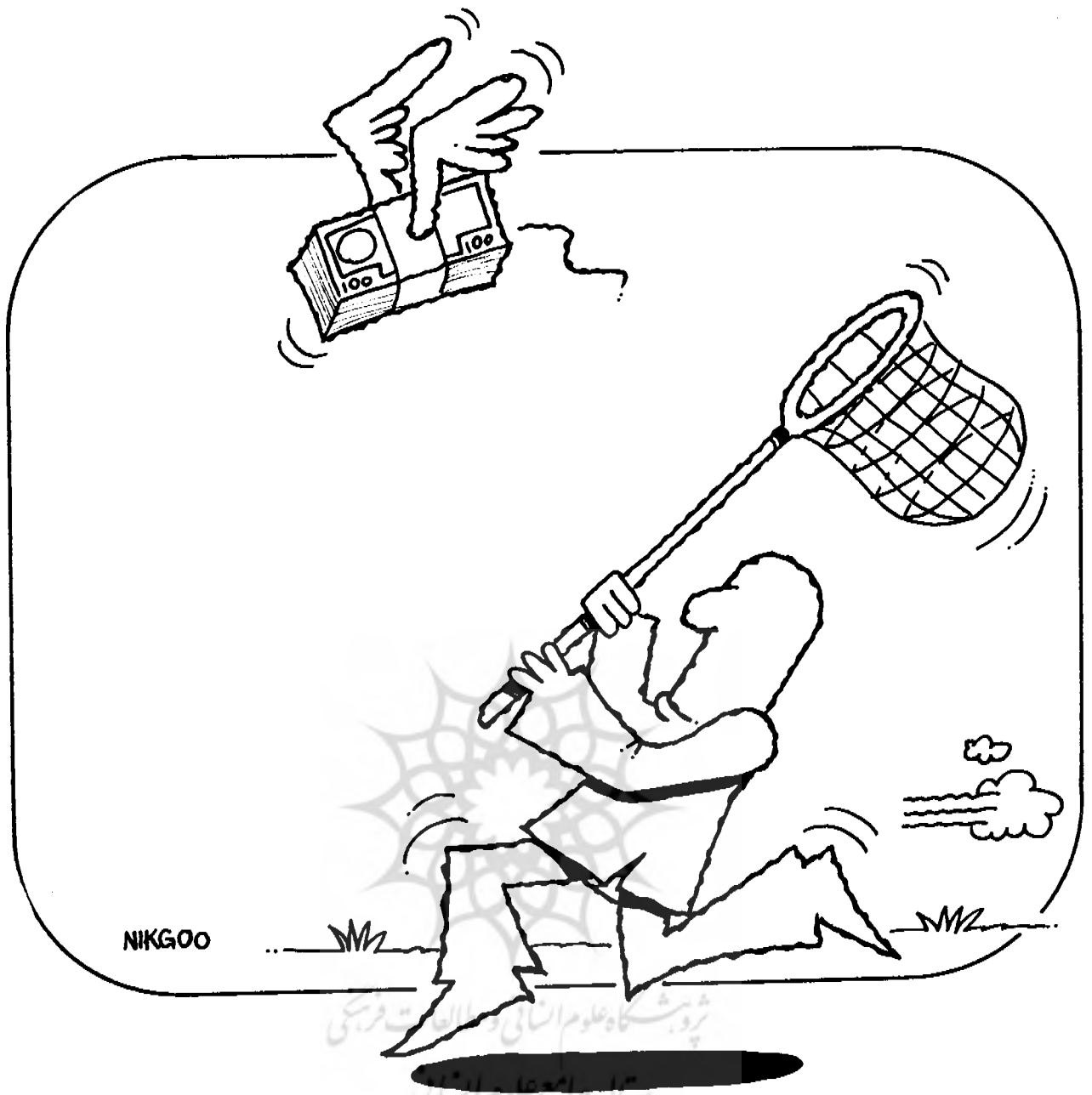
صادرکنندگان کالا برای تأمین کالاهای قابل صدور از تولیدکنندگان داخلی، همواره به منابع مالی نیاز دارند تا بتوانند کالاهایی که برایشان تبلیغات و بازاریابی کرده اند و مشتری خارجی را جذب نموده اند، به موقع از بازار داخلی تهیه و صادر نمایند.

اغلب صادرکنندگان به ویژه صادرکنندگان کالاهای صنعتی، با کمبود منابع مالی مواجه هستند. آنها برای پرداخت بهای کالاهای قابل صدور به تولیدکنندگان داخلی به پول نیاز دارند. از سوی دیگر تولیدکنندگان نیز از سر نیاز به نقدینگی برای استمرار تولید قادر نیستند محصولات خود را براساس قراردادهای بلندمدت به صادرکنندگان بفروشند و ترجیح می دهند که حتی با سود کمتر به طور نقدی فروش خود را انجام دهند.

به منظور تشویق و رشد صادرات غیرنفتی، این تفاوت زمانی برای پرداخت بهای کالاهای خریداری شده از تولیدکنندگان داخلی تا بازگشت ارز حاصل از صادرات غیرنفتی را باید بانک ها پر کنند تا رونق صادرات غیرنفتی ممکن گردد.

اگرچه گفته می شود که سیاست کلی در جهت رونق صادرات غیرنفتی است و نظام بانکی می تواند در این زمینه سرمایه گذاری کند، لیکن هنوز موانع بسیاری وجود دارد و محدودیت سقف اعطای اعتبارات به بخش خدمات (بازرگانی) عمده ترین مانع است.

لغو محدودیت های مربوط به اعتبارات بخش صادرات برای نظام بانکی کشور و نیز تسهیل در بوروکراسی اعطای وام های کوتاه مدت (شش ماهه) با نرخ سود معقول و مناسب از سوی بانک ها از اقداماتی است که می تواند تسهیل در امر صادرات غیرنفتی را میسر سازد. توجه زیاد دولت به تنظیم بازار داخلی و نیازهای آن در دو سال اخیر، یکی از موانع رشد صادرات غیرنفتی بوده است. حتی در راستای این سیاست، برای مثال خطوط تولید واحدهای بزرگ از جمله واحدهای فولادسازی نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. برخی از این واحدها که قادر به تولید محصولات باارزش افزوده بیشتر بوده اند، برای تنظیم عرضه و تقاضا در بازار داخلی مجبور شده اند کالاهای مورد نیاز بازار که ارزش افزوده



شرکت‌های بازرگانی که امر صادرات و واردات را به خوبی اداره کنند، هنوز در مجموعه فعالان اقتصادی کشور رشد نیافته‌اند نیز ضرورت دارد. صادرکنندگان کالا اگر خود تولیدکننده آن باشند، می‌توانند از سهمیه ارزی حاصل از صادرات خود به واردات کالاهای موردنیاز (قطعات، لوازم یدکی، مواد اولیه و...) اقدام کنند. اما تمام تولیدکنندگان، صادرکننده خوبی نیستند. در اقتصاد امروز، امر مدیریت تولید با مدیریت فروش، به ویژه فروش خارجی، دو مقوله جدا از هم می‌باشند و به تخصص‌های گوناگونی نیازمند می‌باشند. در میان کارآفرینان اقتصادی در ایران، تشکیل قشر بازرگانی خارجی فعال و رشد شرکت‌های بازرگانی یک ضرورت غیرقابل

درآمدهای ارزی کشور، باید مدنظر برنامه‌ریزان و مسؤولان قرار گیرد.

احیاء بوروکراسی در امر صادرات، پیمان واریزنامه ارزی و نحوه استفاده از سهمیه ارزی از مشکلاتی است که کماکان وجود دارد. چنانچه دستیابی به ۲۷/۵ میلیارد دلار درآمد از صادرات غیرنفتی در دومین برنامه پنج‌ساله توسعه اقتصادی هدف باشد، برای رسیدن به این هدف لازم است در این زمینه گام‌های اساسی هر چه سریع‌تر برداشته شود.

توجه به این موضوع که صادرکننده کالا، حتماً نمی‌تواند واردکننده خوبی نیز باشد، اهمیت دارد. درک این مشکل که هنوز

بیهوده وقت و هزینه‌های قابل اجتناب معاف نمود.

کارشناسان بانک معتقدند که دولت در وادی صادرات غیرنفتی، فعالانه حمایت نمی‌کند و به نظم بازار داخلی و سیاست کنترل شده تجارت خارجی روی آورده است و این امر با ایده رشد صادرات غیرنفتی مغایرت دارد و از سوی دیگر، متناسب با روند تجارت باز بین‌المللی نیست.

سیاست کنترل بر واردات موجب شده است که صادرات غیرنفتی تحت‌الشعاع نیازهای بازار داخلی قرار گیرد. محصولات که در بازار داخلی خریدار نداشته باشد، صادر گردد تا کمبودهای حاد در بازار به‌وجود نیاید. در واقع صادرات در ردیف پس از اشباع بازار داخلی قرار دارد. در حالی که در اقتصاد امروز، کسب ارزش افزوده بیشتر برای اقتصاد ملی و درآمدهای ارزی بالاتر، هدف می‌باشد و حتی طرح‌های سرمایه‌گذاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در اقتصادهای پیشرفته بخشی از سرمایه‌گذاری‌ها برای استفاده بهینه از مزایای نسبی اقتصادی و تولید کالاهای صادراتی قابل رقابت در عرصه بین‌المللی، صورت می‌گیرد و در مقابل با کاهش کنترل و نظارت بر واردات، نیازهای بازار داخلی نیز تأمین می‌گردد.

○ در اقتصادهای پیشرفته، بخشی از سرمایه‌گذاری‌ها برای استفاده بهینه از مزایای نسبی اقتصادی و تولید کالاهای صادراتی قابل رقابت در بازارهای بین‌المللی صورت می‌گیرد و در مقابل نیاز بازار داخلی از طریق واردات تأمین می‌شود. حرکت در این جهت برای اقتصاد ایران ضرورت دارد، در حالی که توجه به نیازهای بازار داخلی، مانع از آن است.

حرکت در این جهت برای رشد صادرات غیرنفتی، ضرورت دارد. لیکن روند کنونی چنین دورنمایی را متصور نمی‌سازد و لذا نمی‌توان به دستیابی به اهداف برنامه دوم در زمینه صادرات غیرنفتی خوش بین بود.

انکار است که به زمان، تجربه و حمایت واقعی نیاز دارد. بخش عمده حمایت از این بخش نیز به نظام بانکی برمی‌گردد تا بتواند نیازهای سرمایه‌ای این بخش را به‌موقع تأمین نماید.

کارشناسان امور بانکی در این زمینه می‌گویند: بانک‌ها قادر به تأمین نیازهای سرمایه‌ای بازرگانان می‌باشند و از جهت آن که می‌توان با اعطای اعتبارات کوتاه‌مدت، برگشت سود و اصل اعتبار را در کمتر از یک سال مشاهده نمود، تمایل زیادی به اعطای اعتبارات این بخش دارند. اما نظام اداری و مقررات حاکم بر فعالیت بانک‌ها، آنها را محدود می‌سازد.

از سوی دیگر تعیین سقف‌های اعتبار (کل اعتبارات و اعتبارات بخشی) و اجبار در ارایه تسهیلات تکلیفی بر اساس تبصره‌های بودجه‌های سالانه کشور نیز، عملاً منابع بانک‌ها برای ورود به این قضیه را محدود می‌سازد.

این کارشناسان معتقدند که نظام بانکی کشور باید از آزادی عمل بیشتری در اعطای اعتبارات برخوردار باشد و از این آزادی نیز در جهت اهداف کلان اقتصادی (سرمایه‌گذاری در طرح‌های دارای اولویت برای اقتصاد ملی و طرح‌های صادراتی) استفاده کند. در این صورت ضمن کمک به دولت در رسیدن به اهداف اقتصادی و نیز کمک به فعالان بخش خصوصی در تجارت خارجی، بانک‌ها نیز می‌توانند از نتایج عملیات بانکی سود کافی ببرند و این به نفع همه است. اما در شرایط کنونی چنین روندی حاکم نیست.

یک کارشناس بانک اظهار می‌دارد که اعطای کارت‌های اعتباری به صادرکنندگان موفق از سوی وزارت بازرگانی با تأیید بانک مرکزی (از لحاظ بازگشت به‌موقع پیمان ارزی) می‌تواند در ارزیابی کارشناسان بانک نسبت به عملکرد صادرکنندگان و اعطای به‌موقع تسهیلات بانکی به آنها کارساز باشد.

وی معتقد است که تخلف قشر اندکی از افراد که به‌نام صادرکننده اقدام به خروج کالا (سرمایه) از کشور با اسم صادرات می‌کنند، نباید به اعتبار تمام صادرکنندگان لطمه زند، بلکه می‌توان صادرکننده واقعی را از ارزیابی فعالیت‌های گذشته و انجام به‌موقع تعهداتش در قبال نظام بانکی شناسایی کرد و با در اختیار نهادن اعتبارات موردنیازش، راه را برای توسعه صادرات غیرنفتی باز کرد.

وی معتقد است که بوروکراسی بانک‌ها در اعطای اعتبارات به بخش‌های مختلف (نه فقط صادرات)، ناشی از عدم بازبینی دقیق بر مقررات، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها می‌باشد و لذا تفکر منطقی پشت آنها وجود ندارد. می‌توان بسیاری از این موانع را به لحاظ کار تکراری که روی آنها انجام می‌شود، حذف کرد و صادرکنندگان و کارشناسان بانک را از فعالیت‌های غیرضروری و تکراری و صرف